

خارج الفقہ

۲۴-۱۱-۲۰۱۴ فقہ اکبر ۲

۶۴

(مکتب و نظام قضایی اسلام)

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

مکتب و نظام قضایی اسلام

تحقق امنیت در جامعه
حاکمیت قانون در
جامعه
رسیدن ذی حق به حق
خود
رفع خصومت
جلوگیری از تحقق جرم
فردی و اجتماعی
تامین حقوق شهروندی
عدالت ثبوتی و اثباتی
دستگاه قضا

قاضی

مشاوران

قاضی

هیأت

منصفه

دادستان

وکیل

مدافع

ضرورت وجود قانون

تساوی تمام آحاد مسلمین در برابر
قانون

رسیدگی عادلانه به دعاوی

سرعت در احقاق حق

اصل برائت

استقلال قاضی

رعایت امور موجب عدالت ثبوتی
و اثباتی از سوی کارگزاران
قضایی

سهولت مراجعه به سیستم قضایی

غیر قابل بازگشت بودن حکم
قضایی مگر در صورت بطلان
مستندات

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- وظل الاتهام العام أو الإدعاء العام مواكبا تطور المجتمع ومرتبطا بحركته ، فحيثما كان مجتمع المسلمين فى (مكة) مجرد أفراد لا تجمعهم سلطة قائمة قادرة على الحساب والمساءلة كان الاتهام فرديا متروكا للأفراد فى جميع صورته وكل حالاته وشخصيا يمارسه المضرور أو ذووه .

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- وعندما قام مجتمع (المدينة) المنورة وأصبح الرسول صلى الله عليه وسلم يمارس النبوة إدارة شؤون هذا المجتمع وحمايته من الخارجين عليه، توظيفا لسلطة النبي في هذا المجتمع وإعمالا لمسؤوليته في حمايته والدفاع عنه وعن دين الله واستكمال ملامحه وتشبيده بنيانه، قام (الادعاء العام) إلى جانب الادعاء الفردي كوسيلة لحماية المجتمع من كل عدوان يمتد إليه.

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- وعندما قامت الدولة بكل ما لها من سلطان ومنعة تطوّر (الادعاء العام) وبات من عمل الدولة ومن أهم واجباتها دفاعا عن المجتمع الإسلامى والأفراد فيه ، وأصبح الادعاء العام منبسطا على جميع الجرائم وليس للأفراد من دور فى مباشرته كقاعدة

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- واقتصر دور الأفراد على مجرد الإبلاغ عن الجرائم ، حيث تتولى السلطات تحقيق الأمر ومباشرة الإدعاء العام لإنزال العقاب على الجاني وما للفرد في مجال الجرائم إلا المطالبة بالتعويض عما أحدثته الجريمة به من أضرار .

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- فإنَّ موضوع الادعاء العام في النظام الإسلامي مرتبط بأهم القضايا الجوهرية المتعلقة بإصلاح العمق الاجتماعي للمسلم في عقيدته وأخلاقه وسلوكه ، و في عموم نظم حياته ، وهو موضوع خطير،

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- والبحث فيه شائق وفيه متعة ، كما قال أحد الباحثين ، شائق لأنه يمتُّ بصله إلى التاريخ الإسلامي في تلك الحقبة من عصور الإسلام الزاهرة ويدل على برحم وشيخة ترتبط بحكمة التشريع الإسلامي ، وتؤكد شرعة التعاون والتناصر بين بني الإنسان الذين ورثوا آدم خليفة الله في أرضه ليستمتع بما آتاه الله من فضله ، في المدى الذي قدر لبقاء العالم في تلك الحياة الدنيا ([١]).

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- والسر في تشريع الحسبة في الإسلام أن الناس لا تتم مصالحهم إلا بالاجتماع والتعاون على جلب المنافع ودفع المضار ، وأنهم محتاجون دائما إلى نظام يسرون على هديه وسلطة تحرص على تحقيق هذا النظام في حياة المجتمع ، لأن " كل بني آدم لا تتم مصلحتهم لا في الدنيا ولا في الآخرة إلا بالاجتماع والتعاون والتناصر ؛

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- فالتعاون على جلب منافعهم ، والتناصر لدفع مضارهم ؛ فإذا اجتمعوا فلا بد لهم من أمور يفعلونها يجتلبون بها المصلحة وأمر يجتنبونها لما فيها من مفسدة ويكونون مطيعين للأمر بتلك المقاصد ، والناهي عن تلك المفاصد ...

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- وإذا كان لا بد من طاعة أمر وناه ، فمعلوم أن دخول المرء في طاعة الله ورسوله خير له ، وهو الرسول النبي الأمي المكتوب في التوراة والإنجيل ، الذي يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر ، ويحل لهم الطيبات ويحرم عليهم الخبائث وذلك هو الواجب على جميع خلق الله تعالى ([٢]).

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- والادعاء العام فى الاسلام مبنى على نظام الحسبة المبنية على أصل من أصول الإسلام العظيمة وهو الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر الذى وصف الله به المسلمين بقوله (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) ([٣]).

دادستان / المدعى العام / Prosecutor

- وقد اهتمَّ به سلف الأمة قولاً وعملاً، فحقق الله الفتح على أيديهم، ونشروا دعوة الحق في تلك البقاع الواسعة.

دادستان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- اصل یکصد و پنجاه و نهم: مرجع رسمی تظلمات و شکایات، **دادگستری** است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

دادستان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- اصل یکصد و شصت و دوم: رئیس دیوان عالی کشور و **دادستان** کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

دادستان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- اصل سابق: اصل یکصد و شصت و دوم:
رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید
مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و
رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور
آنها را برای مدت پنج سال به این سمت
منصوب می کند.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی
- بالاترین مقام دادر، دادستان است که بسیاری از وظایف دادر را زیر نظر وی و بعد از تعیین این مقام انجام می‌شود.
- وظایف دادستان دو نوع است: وظایف قضایی و وظایف اداری.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- اولین وظیفه قضایی دادستان ریاست بر دادسرا است. دادستان رییس دادسرا محسوب می‌شود و همه امور در دادسرا تحت نظارت دادستان انجام می‌شود.
- دادستان رییس ضابطان است و بر امور ضابطان و حسن انجام وظیفه آنان ریاست و نظارت دارد و ضابطان تحت تعلیم دادستان انجام وظیفه می‌کنند.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- برخی جرایم جنبه حق الناسی، برخی حق الهی و برخی واجد هر دو جنبه هستند، وظیفه تعقیب جرایم دو نوع اخیر با دادستان است.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- چهارمین وظیفه دادستان تقسیم کار با توجه به درجه اهمیت جرایم و تجربه قضات دادسرا بین آنان است.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- نظارت بر انجام تحقیقات بازپرس، وظیفه قضایی دیگری است که قانون بر عهده دادستان قرار داده است.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- با اینکه بازپرس، مقام تحقیق پرونده‌های جزایی و مستقل است، دادستان هر زمان می‌تواند پرونده را بخواهد و مطالعه کند و از بازپرس تکمیل تحقیقات را درخواست کند و بازپرس در انجام نظر دادستان در جهت تکمیل تحقیقات باید متابعت کند.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- از دیگر وظایف دادستان صدور کیفرخواست است. با این توضیح که با احراز جرم در دادسرا و تکمیل تحقیقات، چنانچه دادستان با نظر قاضی تحقیق اعم از بازپرس یا دادیار موافق باشد، در همه جرایم اعم از عمومی یا خصوصی، کیفرخواست صادر می‌کند. در کیفرخواست مشخصات طرفین پرونده، نوع جرم انتسابی، ادله ارتکاب جرم و مستندات قانونی قید شده و برای مرتکب، تقاضای کیفر می‌شود.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- کیفرخواست پس از امضای دادستان یا معاون او و یا دادیار، به دادگاه ارسال می‌شود، دادگاه‌های جزایی بدون کیفرخواست دادستان، حق شروع رسیدگی ندارند، به جز در موارد نادر و استثنایی.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- دیگر وظایف دادستان را به شرح زیر نام می برد:

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- ۱- اظهار نظر نسبت به قرارهای بازداشت بازپرس
- اظهار نظر نسبت به قرارهای نهایی بازپرس (منع تعقیب، موقوفی تعقیب و مجرمیت). به عبارت دیگر، تحقق قانونی و اعتبار قرارهای مزبور، منوط به موافقت دادستان است و چنانچه دادستان با هر کدام موافق نباشد و بازپرس نظر دادستان را نپذیرد، برای تعیین تکلیف، پرونده به دادگاه ارسال می‌شود.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- انجام تحقیقات مقدماتی در جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان نیست، با این توضیح که در جرایم مهم مانند قتل عمد و سایر موضوعاتی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، امر تحقیق پرونده‌ها با بازپرس و نظارت آن با دادستان است. در سایر جرایم، با وجود اینکه بازپرس مجاز به انجام تحقیقات است، دادستان و معاون او و یا دادیار نیز می‌توانند انجام تحقیقات مقدماتی پرونده را عهده‌دار شوند

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- ۲- حضور دادستان در دادگاه جزایی اعم از بدوی و تجدیدنظر
- با این توضیح که جلسه محاکمه دادگاهی که به امر کیفری رسیدگی می‌کند، بدون حضور دادستان رسمی و قانونی نیست. دادستان یا راسا حاضر می‌شود و یا معاون یا یکی از دادیاران را به نمایندگی در جلسه محاکماتی مزبور معرفی می‌کند.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- تجدیدنظرخواهی از آرای محاکم جزایی از اختیارات و وظایف دادستان است. چنانچه حکمی موافق قانون نباشد یا در رسیدگی رعایت قوانین نشده باشد، حق تجدیدنظرخواهی برای دادستان باقی است.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- ۳- اجرای احکام جزایی
- پس از قطعی شدن حکم جزایی اعم از اینکه از جرایم مهم باشد که منتهی به اعدام و قصاص باشد یا از جرایم کم اهمیت و یا حبس و یا شلاق و جزای نقدی، جملگی زیر نظر و به دستور دادستان یا معاون او و یا دادیار اجرای احکام که تحت نظارت دادستان انجام وظیفه می‌کند، اجرا می‌شود.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- وظایف اداری دادستان عبارتند از: حفظ حقوق صغار، مجانین و غایب مفقود الاثر که در این ارتباط، واحدهای امور سرپرستی محجوران در دادسراها وجود دارد که زیر نظر دادستان اداره می‌شود.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- جمع‌آوری دلایل در موضوع جنون اشخاص و سفاقت صغار فاقد ولی خاص، نصب قیم برای محجوران، حفظ و نظارت بر اموال صغار، مجانین و غیررشید، مادامی که قیم تعیین نشده، درخواست عزل قیم، درخواست نصب امین برای جنین، حفظ و نظارت بر اموالی که محتاج تعیین امین است تا زمانی که امین معرفی نشده، درخواست تعیین امین برای اداره اموال غایب مفقودالاثر،

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- اقدام فوری در حفظ ترکه متوفی قبل از حضور دادرس دادگاه، اجازه ازدواج و طلاق برای مجنون، حفظ اموال مجهول‌المالک، حفظ ترکه متوفای بلاورات و ده‌ها وظیفه دیگر که به موجب قانون امور حسبی، برای دادستان منظور شده است.

وظایف و اختیارات دادستان در نظام قضایی

- به علاوه دادستان وظایف متعدد دیگری در قوانین مختلف در ارتباط با سایر سازمان‌ها و ادارات و مراجع شبه قضایی و کمیسیون‌ها دارد که در رابطه با وظایف دادستان، کتابی مشتمل بر ۶۲۹ صفحه در معاونت آموزش قوه قضاییه منتشر شده که علاقه‌مندان جهت مطالعه تفصیلی، می‌توانند به آن مراجعه کنند.

احکام امام خمینی

• چهارم اسفند ماه سال ۵۸ و در حالی که حدود یک سالی از پیروزی انقلاب اسلامی می گذشت و امام خمینی به علت بیماری قلبی در بیمارستان قلب شهید رجایی بستری بودند اما از آنجایی که با حساسیت تمام، مسائل انقلاب را پیش برده و هدایت می کردند، دو انتصاب مهم در این روز انجام دادند و دو شخصیت اصلی و کلیدی نظام را برای این مناصب انتخاب کردند.

احکام امام خمینی

- ایشان در حکمی به شهید آیت الله سید محمد حسینی بهشتی، او را به سمت رئیس دیوان عالی کشور منصوب کردند که متن این حکم در ادامه آمده است:
- حکم انتصاب شهید بهشتی به ریاست دیوان عالی کشور

احکام امام خمینی

- "بسم الله الرحمن الرحيم"
- جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد حسینی بهشتی - دامت افاضاته
- نظر به اهمیت نقش قوه قضایه در تأمین سعادت و سلامت جامعه و تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ضرورت ایجاد تشکیلات نوین قضایی بر اساس تعالیم مقدس اسلام، به ریاست دیوانعالی کشور منصوب می شوید،

احکام امام خمینی

• تا با همکاری دادستان کل کشور، فقها، قضات، کارمندان شریف و صالح دادگستری و حقوقدانان دیگر به تهیه طرح و برنامه و ایجاد تشکیلات نوین به تدوین لوایح قضایی جدید جمهوری اسلامی ایران پردازید. امیدوارم خداوند متعال شما را در انجام این امر خطیر یاری فرماید.

• روح الله الموسوی الخمينی "

• صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۱۶۳

احکام امام خمینی

- حکم انتصاب آیت الله موسوی اردبیلی به دادستانی کل کشور
- در همان روز چهارم اسفند ۵۸ مطابق با ششم ربیع الاول ۱۴۰۰، امام خمینی در حکمی دیگر، مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی را به ریاست دادستانی کل کشور منصوب کردند. متن حکم امام به شرح زیر است:

احکام امام خمینی

- جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی - دامت افاضاته
- نظر به اهمیت نقش قوه قضایه در تأمین سعادت و سلامت جامعه و تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ضرورت ایجاد تشکیلات نوین قضایی بر اساس تعالیم مقدسه اسلام به ریاست دادستانی کل کشور منصوب می شوید

احکام امام خمینی

• تا با همکاری رئیس دیوانعالی کشور، فقها، قضات، کارمندان شریف و صالح دادگستری و حقوقدانان دیگر به تهیه طرح و برنامه و ایجاد تشکیلات نوین به تدوین لوایح قضایی جدید جمهوری اسلامی ایران پردازید. امیدوارم خداوند متعال شما را در انجام این امر خطیر یاری فرماید.

• ۴ اسفند ماه ۵۸

• روح الله الموسوی الخمينی "

- مسأله يجب الأمر بالمعروف الواجب، و النهى عن المنكر و جوباً كفاًياً، إن قام به واحد سقط عن غيره [٣] و إذا لم يقم به واحد اثم الجميع و استحقوا العقاب.
- سيستانى: مسأله يجب الأمر بالمعروف و النهى عن المنكر مع كون المعروف واجباً و المنكر حراماً و فى كون وجوبه عينياً أو كفاًياً وجهان و لا يبعد الأول فى إظهار الكراهة قولاً أو فعلاً و الثانى فيما يتوقف على اعمال القدرة كالضرب و الحبس مما كان من وظائف **المحتسب** فى بعض الازمنة السالفة.
- ملحقات رساله آيت اللّٰه خوئى با حاشية آيات عظام: تبريزى و سيستانى «١»
- (١) در اين بخش، از كتاب فقهى «منهاج الصالحين» استفاده شده است.

الحسبة والمحتسب

- الجهة العاشرة: في بيان مفهوم الحسبة، و شروط المحتسب، و الفرق بينه و بين المتطوع:
- من الدوائر التي كانت رائجة في أعصار الخلافة الإسلامية هي دائرة الحسبة، و ربما كان يعبر عنها بولاية الحسبة، و يرجع تاريخها إلى عصر النبي «ص» كما سيظهر.

الحسبة والمحتسب

- و كانت وظيفتها إجمالاً الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر بمراتبهما و مفهومهما الواسع، و لعلها توجد الآن أيضاً في بعض البلاد الإسلامية بهذا الاسم أو ما يقرب منه. و قد وزعت وظائفها في أعصارنا في أكثر البلاد على الوزارات و المؤسسات المختلفة المنشعبة من سلطة التنفيذ، كما فوض بعض وظائفها أيضاً إلى سلطة القضاء.

الحسبة والمحتسب

- و كانت في عصر بساطة الخلافة و سذاجتها تحت إشراف نفس الخليفة و الإمام الأعظم، بل ربما كان الإمام بنفسه يتصدى لأكثر وظائفها. فلنتعرض لها هنا إجمالاً فنقول:

الحسبۃ والمحتسب

• ١- قال ابن الأثیر فی النہایۃ:

• «و الحسبۃ اسم من الاحتساب، كالعده من الاعتداد. و الاحتساب فی الأعمال الصالحۃ و عند المكروهات: هو البدار إلى طلب الأجر و تحصيله بالتسليم و الصبر، أو باستعمال أنواع البر و القيام بها على الوجه المرسوم فيها طلبا للثواب المرجو منها.» «١»

• (١) - النہایۃ لابن الأثیر ١ / ٣٨٢.

الحسبة والمحتسب

- ٢- و في الصّاح:
- «احتسبت عليه كذا: إذا أنكرته عليه. قال ابن دريد: و احتسبت بكذا [طلبت] أجرا عند الله، و الاسم الحسبة بالكسر و هي الأجر.» «٢»
- (٢) - الصّاح للجوهري ١ / ١١٠.

الحسبة والمحتسب

- ٣- و في مجمع البحرين:
- «يقال: احتسب فلان: عمله طلبا لوجه الله و ثوابه، و منه الحسبة بالكسر و هي الأجر ... و الحسبة: الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر، و اختلف في وجوبهما عينا أو كفاية.» «١»
- (١) - مجمع البحرين / ١٠٦.

الحسبة والمحتسب

- أقول: و يحتمل أن تكون الحسبة من المحاسبة بمعنى مراقبة أحد الرجلين للآخر و حسابه عليه، و لعلّ منه أيضا الحسيب بمعنى المحاسب، قال الله - تعالى - : «و كَفَى بِاللّهِ حَسِيباً» * «٢» هذا.
- (٢) - سورة النساء (٤)، الآية ٦؛ و سورة الأحزاب (٣٣)، الآية ٣٩.

الحسبة والمحتسب

- ٤- و في أول معالم القرية لابن الأخوة:
- «الحسبة من قواعد الأمور الدينية. و قد كان أئمة الصدر الأول يباشرونها بأنفسهم، لعموم صلاحها و جزيل ثوابها. و هي أمر بالمعروف إذا ظهر تركه و نهى عن المنكر إذا ظهر فعله، و إصلاح بين الناس، قال الله - تعالى -: «لثا خير في كثير من نجواهم إلا من أمر بصدقة أو معروف أو إصلاح بين الناس».

الحسبة والمحتسب

- و المحتسب: من نصبه الإمام أو نائبه للنظر في أحوال الرعية و الكشف عن أمورهم و مصالحهم (و بياعاتهم و مأكولاتهم و ملبوسهم و مشروبهم و مساكنهم و طرقاتهم و أمرهم بالمعروف و نهيهم عن المنكر خ. ل).

الحسبۃ والمحتسب

- و من شرط المحتسب أن يكون مسلماً حراً بالغاً عاقلاً عدلاً قادراً حتى يخرج منه الصبي والمجنون والكافر، و يدخل فيه آحاد الرعايا و إن لم يكونوا مأذونين، و يدخل فيه الفاسق و الرقيق و المرأة... و أن يكون ذا رأى و صرامة و خشونة في الدين، عارفاً بأحكام الشريعة ليعلم ما يأمر به و ينهى عنه، فإن الحسن ما حسنه الشرع، و القبيح ما قبحه الشرع، لقوله «ص»: ما استحسنته المسلمون فهو حسن.» «٣» (٣) - معالم القربة / ٧ - ٨. (ط. مصر / ٥١).

الحسبة والمحتسب

- أقول: ما ذكره من قوله: «و يدخل فيه آحاد الرعايا...» يريد به لا محالة من يتصدى للحسبة تطوعاً، فلا يناقض ما قبله. و أمّا ما ذكره من مباشرة أئمة الصدر الأوّل لأمر الحسبة فأمر يظهر لكلّ من راجع الأخبار و التواريخ، و سيأتي ذكر بعض مواردّها.

الحسبة والمحتسب

- ٥- و في التراتيب الإدارية للكتّاني عن التيسير لابن سعيد:
- «اعلم أنّ الحسبة من أعظم الخطط الدينية، فلعموم مصلحتها و عظيم منفعتها تولى أمرها الخلفاء الراشدون، لم يكلوا أمرها إلى غيرهم مع ما كانوا فيه من شغل الجهاد و تجهيز الجيوش للمكافحة و الجلاذ.» «١»
- (١) - التراتيب الإدارية ١ / ٢٨٦.

الحسبۃ والمحتسب

• ۶- و فيه أيضا عن كشف الظنون:

• «علم الاحتساب علم باحث عن الأمور الجارية بين أهل البلد من معاملاتهم اللاتي لا يتم التمدين بدونها من حيث إجراءاتها على القانون المعدل بحيث يتم التراضي بين المتعاملين، و عن سياسة العباد بنهي المنكر و أمر بالمعروف بحيث لا يؤدي إلى مشاجرات و تفاخر بين العباد بحيث ما رآه الخليفة من الزجر و المنع.

الحسبۃ والمحتسب

- و مبادیہ بعضہا فقہی و بعضہا أمور استحسانیۃ ناشئۃ من رأى الخلیفۃ. و الغرض منه تحویل الملکۃ فی تلك الأمور. و فائدته إجراء أمور المدن فی المجاری علی الوجه الأتم.

الحسبة والمحاسب

• وهذا أدق العلوم و لا يدركه إلّا من له فهم ثاقب و حدس صائب، إذ الأشخاص و الأزمان و الأحوال ليست على وتيرة واحدة، بل لا بد لكل واحد من الأزمان و الأحوال سياسة خاصة، و ذلك من أصعب الأمور، فلذلك لا يليق بمنصبها إلّا من له قوة قدسية مجردة عن الهوى. « ٢ »

• (٢) - التراتيب الإدارية ١ / ٢٨٧.

الحسبة والمحتسب

- ٧- و قال القاضي أبو يعلى الفراء فى الأحكام السلطانية فى أحكام الحسبة:
- «و الحسبة هى أمر بالمعروف إذا ظهر تركه، و نهى عن المنكر إذا ظهر فعله. و هذا

الحسبۃ والمحتسب

- و إن صحَّ من كلِّ مسلم، فالفرق بين المحتسب و المتطوع من تسعة أوجه:
- أحدها: أن فرضه متعين على المحتسب بحكم الولاية، و فرضه على غيره داخل في فرض الكفاية.

الحسبة والمحتسب

- الثاني: أن قيام المحتسب به من حقوق تصرفه الذي لا يجوز أن يتشاغل عنه بغيره، وقيام المتطوع به من النوافل الذي يجوز التشاغل عنه بغيره.
- الثالث: أنه منصوب للاستعداد إليه فيما يجب، وليس المتطوع منصوباً للاستعداد.
- الرابع: أن على المحتسب إجابة من استعدى به، وليس على المتطوع إجابته.

الحسبۃ والمحتسب

- الخامس: أنّ عليه أن يبحث عن المنكرات الظاهرة، ليصل إلى إنكارها.
- و يفحص عمّا ترك من المعروف الظاهر ليأمر بإقامته، و ليس على غيره من المتطوعه بحث و لا فحص.
- السادس: أنّ له أن يتخذ على الإنكار أعوانا، لأنّه عمل هو له منصوب و إليه مندوب ليكون له أقهر و عليه أقدر، و ليس لمتطوع أن يندب لذلك أعوانا.

الحسبة والمحتسب

- السابع: له أن يعزّر على المنكرات الظاهرة و لا يتجاوزها إلى الحدود، و ليس للمتطوع أن يعزّر على منكر.
- الثامن: أن له أن يرتزق من بيت المال على حسبته، و لا يجوز لمتطوع أن يرتزق على إنكاره.

الحسبة والمحتسب

- التاسع: أن له اجتهاد رأيه فيما تعلق بالعرف دون الشرع، كالمقاعد في الأسواق، وإخراج الأجنحة، فيقر و ينكر من ذلك ما أداه اجتهاده إليه، وليس هذا للمتطوع.
- فيكون الفرق بين والى الحسبة وإن كانت أمرا بالمعروف ونهيا عن المنكر، وبين غيره من المتطوعه، وإن جاز أن يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر من هذه الوجوه التسعة.

الحسبۃ والمحتسب

- و من شروط والى الحسبۃ أن يكون خبيرا عدلا ذا رأى و صرامة و خشونة فى الدين، و علم بالمنكرات الظاهرة. و هل يفتقر إلى أن يكون عالما من أهل الاجتهاد فى أحكام الدين ليجتهد رأيه؟ يحتمل أن يكون من أهله، و يحتمل أن لا يكون ذلك
- شرطا إذا كان عارفا بالمنكرات المتفق عليها. « ١ » و ذكر نحو ذلك أيضا الماوردى. « ٢ »

الحسبۃ والمحتسب

- أقول: و فی بعض ما ذکره من الفروق التسعة نظر بل منع و لا سیما فی الثانی و السادس، كما لا یخفی وجهه.

- المحتسب شغلانته اسمها " الحسبه " ، و هو شخص كان يعينه السلطان في مصر المملوكيه لمراقبة الأسواق و الدكاكين و التفتيش على المكاييل و الموازين اللى يستخدمها التجار لمنع الغش ، و منع تحميل المراكب بأكثر ما تحمل حمولتها لسلامة الركاب ، و منع ضرب المعلمين لصبيانهم.

- المحتسب كانت من مهامه لم الضرايب من الأسواق و ساعات حط تسعيه جبريه و كان السلطان يعاقب المحتسب لو رتفعت الاسعار فى الاسواق من غير سبب. المحتسب كان ليه مندوبين و مساعدين يلفو فى الأسواق و وظيفة الحسبه كانت وظيفه كبيره من وظائف الدوله مايمسكهاش غير واحد على مستوى عالى من العلم و الخلق و اتولاها مؤرخين مشاهير زى المقريزى و بدر الدين العينى و ابن العديم ،

- لكن ساعات اتولى الشغلانه امرا كبار و كان اولهم الامير متكل بنا الشمسي عن طريق السلطان المؤيد شيخ سنه ١٤١٣ و فى أواخر العصر المملوكى اتولاها جان بردى الغزالي فى عهد السلطان الغورى و جان بردى كان من مماليك السلطان الأشرف قايتباى.